

تبیین رئالیستی بسترها و مکانیسم‌های میانجی در شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی (مورد مطالعه: ناحیه نایسر سندج)^۱

بهمن باینگانی^۲
استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه گلستان

مطالعات جامعه‌شناختی

(علمی - پژوهشی)

دوره ۲۷، شماره یک: ۱۱۰-۷۷

شاپا ۲۸۰۹-۱۰۱۰

نمایه در *ISC*

پذیرش ۹۸/۸/۴

دریافت ۹۷/۴/۱۳

چکیده

یکی از مهم‌ترین مسائل مربوط به سندج که در سال‌های اخیر بیش از همه در رسانه‌های محلی، منطقه‌ای و ملی بازتاب یافته، مسئله حاشیه‌نشینی است. مهم‌ترین مسئله حاشیه‌نشینی نیز نقش آن در گسترش آسیب‌های اجتماعی است. بر این اساس هدف مطالعه حاضر شناسایی آسیب‌های اجتماعی و بسترها و مکانیسم‌های مؤثر در شکل‌گیری این آسیب‌ها بوده است. مبنای نظری پژوهش رویکرد رئالیسم انتقادی بوده و در بخش روش نیز از روش ترکیبی استفاده شده است. در بخش تجربی نیز، بزرگ‌ترین ناحیه حاشیه‌نشین سندج، یعنی نایسر به عنوان بستر مورد مطالعه انتخاب شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که آسیب‌های اجتماعی این ناحیه را می‌توان را در سه رده جدی، متوسط و کم اهمیت دسته‌بندی کرد. در عین حال، مهم‌ترین مکانیسم‌های میانجی این آسیب‌ها تبعیض اداری و شهری، انگ بدنامی و عدم‌تعلق مکانی است. در نهایت اینکه بسترهای مؤثر در شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی نیز محدودیت امکانات و صور گوناگون آن، فقر اقتصادی و فرهنگی و ناهمگونی فرهنگی است.

واژگان کلیدی: حاشیه‌نشینی، آسیب‌های اجتماعی، رئالیسم انتقادی، سندج، منطقه نایسر

۱ مقاله حاضر از طرحی پژوهشی با عنوان «حاشیه‌نشینی در سندج؛ بستر، مکانیسم‌ها و راهکارها (با تأکید بر کاهش آسیب‌های اجتماعی)» استخراج شده است. این طرح به سفارش دفتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری کردستان انجام شده است.

۲ پست الکترونیکی نویسنده رابط: b.bayangani@gu.ac.ir

طرح مسأله

یکی از مهم‌ترین مسائل مربوط به سنندج که در سال‌های اخیر بیش از همه در رسانه‌های محلی، منطقه‌ای و ملی بازنمایی شده، مسئله حاشیه‌نشینی است. روی هم رفته این بازنمایی‌ها حاکی از آن است که میزان حاشیه‌نشینی در سنندج سه برابر میانگین کشوری است. بطوریکه استان کردستان با داشتن ۱۸٫۸ درصد جمعیت حاشیه‌نشین، بالاترین میزان حاشیه‌نشینی در کشور را دارد و در میان شهرهای آن، سنندج با بیش از ۵۴ درصد جمعیت، رتبه نخست را به خود اختصاص داده است (فتاحی و دیگران، ۱۳۹۵: ۶). به عبارت دیگر، بر اساس آمارها، شهر سنندج در سال ۱۳۹۵ جمعیتی بالغ بر ۳۷۵۲۸۰ داشته که از این جمعیت حدود ۲۰۵۰۴۱ نفر آن را ساکنان مناطق حاشیه‌نشین تشکیل داده‌اند (تولایی، ۱۳۹۵: ۲). حاشیه نشینی در سنندج به قدری نگران کننده و بحرانی است که این شهر جزو پنج شهری قرار گرفت که در طول سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ از سوی بانک جهانی اعتباری برای مقابله با آن اختصاص یافت (خبرگزاری مهر، ۹۴/۲/۲۱).

حاشیه‌نشینی سرنوشت کسانی است که از یکسو به دلیل سطح پایین سواد و فقدان مهارت شغلی و از سوی دیگر گرانی مسکن و زمین به درستی جذب شهرها نشده و در محدوده خارجی و حاشیه‌ای شهرها زندگی می‌کنند. علاوه بر این از آنجایی که محل سکونت حاشیه نشنان اغلب خارج از عرصه‌های حقوقی و قانونی شهرها قرار دارد کمتر از برنامه‌های حمایت رسمی برخوردارند (محمدی و دیگران، ۱۳۹۴). درباره چرایی و ریشه‌های حاشیه‌نشینی تئوری‌های مختلفی ارائه شده که هرکدام مسئله را در بخشی جداگانه جستجو کرده‌اند. در سطوح کلان نظریه‌های مثل نظریه نظام جهانی و وابستگی ریشه حاشیه‌نشینی را نظام سرمایه داری جهانی می‌دانند که با گسترش خود به مناطق مختلف جهان اسکان غیر رسمی را به دنبال می‌آورد. در سطوح میانی نظریه‌های نوسازی قرار دارند که به مسائل داخلی و فرایندهایی مثل شهرنشینی، صنعتی شدن و غیره تاکید دارند که در جریان گذار جامعه از سنتی به مدرن موجب پدید آمدن حاشیه‌نشینی می‌شوند. در سطح خرد نیز نظریه‌های تبیین کننده حاشیه‌نشینی بر ویژگی‌های فرهنگی و روانی ساکنان تاکید دارند (نقدی، ۱۳۹۲). به موازت مبانی نظری،

پژوهش‌های تجربی ارزشمندی در مورد حاشیه‌نشینی در داخل و خارج انجام شده است که هرکدام وجهه و جنبه خاصی از مسئله را مورد مطالعه قرار داده و با تمرکز بر سطح خاصی، رویکرد متفاوتی نسبت به حاشیه‌نشینی اتخاذ کرده‌اند. اما مسئله حائز اهمیت در اینجا این است که همگی به رابطه مستقیمی بین حاشیه‌نشینی و مسائل اجتماعی رسیده‌اند. به عبارت دیگر این مطالعات (هزارجریبی و همکاران، ۱۳۸۶؛ صابری فر، ۱۳۸۸؛ معدنی و محمدپناه، ۱۳۸۸؛ عریضی و همکاران، ۱۳۸۲؛ حکمت نیا و افشانی، ۱۳۸۹؛ ابراهیم زاده و همکاران، ۱۳۸۳؛ ربانی، ۱۳۸۵؛ و قادرزاده، ۱۳۹۳) به این نتیجه رسیده‌اند که با افزایش حاشیه‌نشینی میزان انحرافات اجتماعی افزایش یافته و با کاهش آن نیز انحرافات اجتماعی کاهش می‌یابد.

با وجود پژوهش‌های متعددی که در زمینه آسیب‌های اجتماعی در کشور و شهر سنندج انجام شده است اما گسترش روزافزون حاشیه‌نشینی در سنندج و نامشخص بودن وضعیت آسیب‌های اجتماعی در این مناطق جدید از سویی و مشخص نبودن بسترها و مکانیسم‌های میانجی و زمینه ساز ظهور این آسیب‌های اجتماعی از سوی دیگر لزوم پژوهش‌های دقیق‌تر را در این رابطه ضروری می‌سازد. یکی از این مناطق حاشیه‌نشین جدید شهر سنندج که جمعیتی بیش از مجموع جمعیت سایر مناطق حاشیه‌نشین سنندج دارد، منطقه نایسر است. بر این اساس اهداف غایی پژوهش حاضر به قرار زیر است:

- وضعیت آسیب‌های اجتماعی در منطقه حاشیه‌نشین نایسر سنندج چگونه است؟
- مهمترین بسترهای زمینه ساز این آسیب‌های اجتماعی چیست؟
- چه مکانیسم‌هایی در ظهور و بروز این آسیب‌ها دخیلی است؟

مبانی نظری

نظریات و دیدگاه‌های بسیاری در رابطه با پدیده حاشیه‌نشینی تاکنون از سوی صاحب‌نظران مختلفی در ارتباط با حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی ارائه گردیده است. در یک سطح نظرات متفکرانی مثل نظریه لوئیس ورث (۱۹۲۸)، اسکارلوئیس (۱۳۶۹)، دیوید هاروی (۱۳۹۶) و در سطح دیگر رویکردهای لیبرال و نئولیبرال، محافظه کار، و رادیکال در زمینه‌بسترها و عوامل موثر بر حاشیه‌نشینی مطرح است. اما با توجه به اهداف و سؤالات مورد نظر در پژوهش حاضر،

رویکرد نظری غالب در اینجا رویکرد رئالیسم انتقادی و نظریهٔ متناظر با آن یعنی واقع‌گرایی چپ نو است. اگر چه خیلی‌ها در فلسفهٔ علوم اجتماعی فکر می‌کنند که تنها دو انتخاب اساسی وجود دارد: پوزیتویسم یا شکلی از تفسیر‌گرایی، اما روایت‌های علی غیرپوزیتویستی دیگری وجود دارد که همچنان رئالیستی است. رئالیسم انتقادی از جمله این روایت‌های دیگر است که در دههٔ ۱۹۷۰ در انگلستان در علوم طبیعی بنیان نهاده شد و بسط آن به علوم اجتماعی مدیون افرادی چون راسل کیت، کیت و جان اوری، تدبتون و مخصوصاً روی باسکار است (بتتون و کرایب، ۱۳۸۴: ۴-۲۲۳). این رویکرد مخصوصاً در پژوهش‌های مربوط به ارزیابی در دهه‌های اخیر رشد و اهمیت زیادی یافته است (پاوسون و تیلی، ۱۹۹۷). در این رویکرد اگرچه تأکید اصلی روی پیامدها است اما آنچه که این پیامدها را موجب می‌شود در وهلهٔ اول مکانیسم‌ها و سپس شرایطی است که بستر ساز این پیامدها است. در عین حال این رویکرد بر این فرض استوار است که دانش محصولی تاریخی و اجتماعی است و به هنگام تحلیل اثرات و برنامه‌ها شرایط سیاسی، اجتماعی و همچنین مکانیسم‌های نظری باید مورد توجه قرار گیرد (ادواردز، ۲۰۱۱؛ مارشال، ۲۰۱۲). از این رو هدف محقق در این جا به جای شناسایی روابط علت و معلولی ساده، فهم این مسئله است که مکانیسم‌ها و ساختارها چگونه عمل می‌کنند، در چه شرایطی، چرا و چه پیامدهایی به دنبال دارند (مالون و دیگران، ۲۰۱۰: ۲). تفاوتی که در علوم طبیعی با علوم انسانی و اجتماعی در زمینهٔ مکانیسم‌ها و ساختارها وجود دارد این است که در علوم طبیعی ساختارها و مکانیسم‌ها جدا از فعالیتها و افراد وجود دارند اما در علوم اجتماعی و انسانی ساختارها و مکانیسم‌ها تنیده شده در فعالیتها و برداشت‌های کنشگران است (تستلتون، ۲۰۰۸: ۵۵؛ بلیکی، ۲۰۰۷: ۱۶).

ترجمان رئالیسم انتقادی در نظریه‌های مربوط به جرم و آسیب‌های اجتماعی نظریهٔ واقع‌گرایی چپ نو است. این نظریه نگاهی عینی به مسائل اجتماعی دارد و افزایش جرائم را می‌پذیرد. لکن توجه خود را به قربانیان جنایت معطوف می‌سازد و اعتقاد دارد که پژوهش دربارهٔ قربانیان تصویر بسیار درست‌تری از ابعاد جرم بدست می‌دهد تا آمارهای رسمی. در عین حال، به باور این نظریه، نرخ جرائم و مسائل اجتماعی در محله‌های به حاشیه رانده شده تراکم

بیشتری دارد و بیش‌تر از سایر جاها است (گیدنز، ۱۳۸۶: ۳۰۹). تبیینی که آنها برای علل افزایش جرائم و مسائل اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین ارائه می‌دهند شبیه تبیین‌های نظریه پردازان دیدگاه فشار است. کانون عمده تحلیل در نظریه فشار بر فشارهایی متمرکز است که با فرصت‌های ساختاری و فرایندهای فرهنگی پیوند دارد. از سویی این نظریه معتقد است که وجود فرصت‌های فرو بسته یا محدود شده می‌تواند سبب شود تا برخی از افراد برای دست یافتن به مزایایی مطلوب اجتماعی، در طلب وسایل و شیوه‌های جایگزین، از جمله راه‌های مجرمانه برآیند. از سوی دیگر این نظریه بر چگونگی یادگیری رفتارهای مجرمانه در موقعیت‌های متفاوت اجتماعی تاکید دارد. یعنی بر خرده فرهنگ‌های خاص و چگونگی انتقال ارزش‌ها و هنجارها از شخصی به شخص دیگر متمرکز است (هینز و وایت، ۱۳۹۵: ۴-۱۴۳). نظریه پردازان واقع‌گرایی چپ نو هم علت زیاد بودن میزان جرائم و آسیب‌های اجتماعی در میان طبقات پایین کارگر و اقلیت‌های قومی را موقعیت حاشیه‌ای آنها و عدم دسترسی‌شان به بسیاری از امتیازات جامعه می‌دانند. اما این تنها علت کجروی نیست و هنگامی که افراد و گروهها در مقایسه شرایط خود با شرایط سایر گروهها و افراد احساس محرومیت کنند، احتمال کجروی بیشتر می‌شود. علاوه بر محرومیت نسبی، فرهنگ تقدیرگرایانه و خرده فرهنگ مردانگی طبقات کارگر نیز که بر خطر و ریسک تاکید دارد، نقش مهمی در افزایش جرم و کجروی در میان مناطق حاشیه‌ای دارد (لاوسون و هیتون، ۱۹۹۹: ۵۰-۱۴۹). افزون براین، از نگاه این محققان، افرادی که درون مناطق فقیرنشین زندگی می‌کنند از هر نوع دسترسی به مراکز کنترل سنتی قدرت در جامعه محروم می‌مانند، از این رو امکان دسترسی به نفوذی مؤثر در درون جریان‌های سیاسی را ندارند. نکته دیگر مورد توجه این نظریه، این مضمون است که دولت یا مؤسسات دولتی، توجهی به وجود این نوع احساس حاشیه‌ای بودن در میان محله‌های مورد بحث ندارند و اقداماتی که انجام می‌دهند بیشتر به وجه‌های امنیتی دارد و همین امر کمترین نقش را در کاهش احساس بیگانگی در این اجتماعات دارد (هینز و وایت، ۱۳۹۵: ۳۲۵). روی هم رفته، این نظریه‌ها با نشان دادن سویه‌های نهادی، سیاسی و بطور کلی واقع‌گرایانه جرم و کجروی،

مخصوصاً در مناطق حاشیه‌نشین، معتقدند انجام دادن اقدامی مفید در درون مناطق محروم کاری بسیار گسترده است و باید در سطوح مختلف اقدامات لازم را انجام داد.

پیشینه پژوهش

مطالعات زیادی در داخل و خارج درباره حاشیه‌نشینی انجام شده است اما در این مطالعه تمرکز ما بر مطالعاتی خواهد بود بر استان کردستان و بطور خاص سنندج تمرکز دارند و در عین حال مسئله آسیب‌های اجتماعی را نیز مورد توجه قرار داده‌اند و پس از آن به مهمترین پژوهش‌هایی اشاره خواهیم کرد که در خارج از کشور راجع به حاشیه‌نشینی انجام شده است.

بهرامی (۱۳۸۷) در پژوهشی ترکیبی به این نتیجه رسیده که بیش از ۴۲ درصد از جمعیت شهری سنندج در مناطق حاشیه‌نشین زندگی می‌کنند و بسیاری از ناهنجارهای اجتماعی و قانونی مثل نزاع‌های دسته جمعی، معتادان، دستفروشی‌ها و جرائم جنسی در مناطق حاشیه‌نشین متمرکز است. **معدنی و محمدپناه (۱۳۸۸)** در پژوهشی دیگر عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر تشکیل حاشیه‌نشینی در شهر سنندج (مطالعه موردی محدوده عباس آباد) را بررسی کرده‌اند. این پژوهش نیز ترکیبی بوده و یافته‌های بخش کیفی آن نشان داده که ساکنان منطقه حاشیه‌نشین عباس آباد سنندج بطور کلی متشکل از دو دسته محرومان شهری و تهیدستان روستایی است. علاوه بر این بر اساس یافته‌های این پژوهش، فقر اقتصادی، مشاغل کم درآمد، دسترسی آسان به مسکن، زمین ارزان و مهاجرت به ترتیب بیشترین تأثیر را در تشکیل حاشیه‌نشینی در این منطقه شهر سنندج داشته است. در پژوهشی دیگر **قرخلو و همکاران (۱۳۸۸)** به تحلیل سطح پایداری شهری در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر سنندج پرداخته‌اند. در این پژوهش آنها از روش تحلیلی-توصیفی استفاده کرده و در هر یک از ابعاد سه گانه اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی مولفه‌هایی مثل شیب، سرانه‌ها، نوع مصالح ساختمانی، درصد باسواد، نوع شغل، درصد بیکاری و درآمد خانوار را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان داده است که میزان پایداری در تمامی متغیرهای انتخاب شده بسیار پایین است. **نظریان و رحیمی (۱۳۹۱)** نیز در پژوهشی به بررسی شاخص‌های مؤثر بر سکونتگاه‌های غیررسمی شهر سنندج پرداخته‌اند. نتایج

مطالعه آنها نشان داده است که اکثر مهاجرت‌ها به بافت‌های حاشیه‌ای شهر سنندج از روستاها بوده و به دو دلیل اقتصادی و امنیتی (به خاطر جنگ ایران و عراق و ناامنی‌های درون استان) است. علاوه بر این مهم‌ترین مشکل کالبدی مربوط به محلات حاشیه‌ای سنندج درصد بالای استفاده از مصالح کم دوام و غیر متعارف در ساخت و ساز ساختمان‌ها و پس از آن پایین بودن متوسط مساحت قطعات مسکونی بوده است.

مفاخری (۱۳۹۲) نیز عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر نگرش ساکنان متن شهر و حاشیه نسبت به همدیگر (مورد مطالعه شهر سنندج) را مقایسه نموده است. روش این پژوهش نیز پیمایشی بوده و یافته‌های آن نشان داده که سرمایه فرهنگی، تعلق شهروندی و پایگاه اقتصادی اجتماعی تأثیر مثبتی در افزایش مشارکت افراد دارد و بالا رفتن مشارکت نیز موجب رواج مثبت افراد نسبت به هم مثبت می‌شود. همچنین یافته‌های این پژوهش نشان داد بیشترین نگرش منفی در میان زنان است. در مطالعه‌ای دیگر، مروتی (۱۳۹۴) مطالعه‌ای درباره عوامل مؤثر بر شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیر رسمی سنندج (محلّه عباس آباد) به روش پیمایشی انجام داده و در پایان نتایج این پژوهش نشان داده است که نابرابری‌های منطقه‌ای بین شهر و روستا، قرابت‌های قومی- فرهنگی و خویشاوندی و نیز منسای مکانی مشترک در نحوه توزیع جمعیت در این منطقه تأثیر گذاشته است. همچنین این مطالعه نشان داده است که میزان تعلق مکانی ساکنان به محل سکونت خود پایین است و همین عامل کاهش میزان مشارکت آنها در امور مربوط به محله را به همراه دارد. **عبده‌زاده (۱۳۹۵)** نیز در پژوهشی به تحلیل جامعه‌شناختی اثرات ساخت و سازهای غیرقانونی بر ناامنی اجتماعی در شهرهای استان کردستان (با تأکید بر مناطق حاشیه شهرهای سنندج، سقز و مریوان) پرداخته است. این پژوهش ترکیبی بوده و نتایج آن نشان داده که مناطق دارای ساخت و ساز غیرقانونی (حاشیه‌ای) از لحاظ شاخص‌های احساس آنومی، محرومیت نسبی، کنترل اجتماعی، احساس بی‌قدرتی، شکل‌گیری کانون‌های جرم‌خیز، عدم تناسب هنجاری، نبود فضای قابل دفاع و پایگاه اقتصادی- اجتماعی با مناطق غیر حاشیه‌ای از تفاوت قابل ملاحظه‌ای برخوردارند. در نهایت اینکه، **حسینی (۱۳۹۵)** در پایان نامه کارشناسی ارشد خود عوامل اجتماعی مؤثر بر کیفیت زندگی ساکنان مناطق حاشیه‌نشین شهر

سندج را مورد مطالعه قرار داده است. نمونه مورد مطالعه وی در این پایان نامه مناطق حاشیه‌نشین کانی کوزه له و عباس آباد بوده و برای جمع آوری و تحلیل اطلاعات از روش‌های کمی بهره گرفته است. نتایج این پژوهش نشان داده است که ساکنان این مناطق از نظر متغیرهای کیفیت زندگی در سطح پایینی قرار دارند و این مسئله موجب شده است سطح امنیت، آرامش، و رفاه در این مناطق در سطح بسیار پایینی باشد.

پژوهش‌های خارجی

آریما (۲۰۰۱) در مقال‌های راجع به حاشیه‌نشینی در کشورهای آفریقایی به این نتیجه رسیده است که در درون کشورها تفاوت‌هایی در میزان گسترش مناطق حاشیه‌نشین وجود دارد، بطوریکه سطوح بالای درآمد، ثبات مالی بیشتر، و سرمایه‌گذاری در زیرساختارها کاهش رشد حاشیه‌نشینی و در نتیجه کاهش طرد اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. در پژوهشی دیگر شاو و مک‌کی (۲۰۱۲) جرائم شهری را متأثر از فضای مناطق خاص شهری می‌دانند. آنها با اخذ آمار و اطلاعات برخی از مناطق خاص شهری از دادگاه و پلیس، به ترسیم ویژگی‌های مناطق حاشیه‌نشین و به اصطلاح «گتو» پرداختند. در مجموع مهمترین یافته‌های آنها به قرار زیر است: الف) بزهکاران مناطق حاشیه، بطورکلی از حیث ضریب هوشی و شخصیتی با بزهکاران مناطق دیگر، تفاوت معناداری ندارند. ب) در مناطق حاشیه‌ای، سنت‌های عرفی، نهادهای محل‌های و افکار عمومی که بواسطه آنها محله‌ها، رفتار افراد را کنترل می‌کنند، تا حد زیادی از هم فروپاشیده‌اند. ج) مناطق حاشیه‌ای، فرصت‌های متعددی را برای فعالیت مجرمان از جمله خرید و فروش مواد مخدر، اموال مسروقه، مشروبات الکلی، اعمال خرابکارانه و متجاوزانه و منافی عفت و غیره در اختیار مجرمان قرار می‌دهند. د) فعالیت‌های بزه‌کارانه در این مناطق از همان سنین کودکی به عنوان بخشی از بازی‌ها شروع می‌شوند. ریتو^۱ (۲۰۱۴) نیز در مطالعه‌ای درباره انحرافات اجتماعی در میان بچه‌های مناطق زاغه و فقیرنشین به این نتیجه رسید که میزان بالایی از انحراف در میان کودکان وجود دارد؛ و مواردی همچون عادت به دروغ‌گویی، قمار و سوء مصرف مواد مخدر و نیز آزار و اذیت و

مصرف سیگار، و الکل در میان کودکان این مناطق بسیار رایج است. همچنین ندنگو^۱ (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای به بررسی آسیب‌های اجتماعی در مناطق فقیر و زاغه‌نشین در شهر نایروبی کنیا پرداخته است. این پژوهش به روش ترکیبی انجام شده و در آن از نظریات دورکیم، شاو و مک‌کی و ساترلند به عنوان مبانی نظری استفاده شده است. در این مطالعه چهار منطقه حاشیه‌نشین نایروبی مورد بررسی قرار گرفته و به این نتیجه رسیده که بین مناطق مختلف از نظر نوع آسیب‌های اجتماعی تفاوت وجود دارد. در عین حال بیکاری یک از مهمترین عوامل مؤثر در جرم و کجروی در مناطق حاشیه‌نشین مورد مطالعه است و مهمتر اینکه نباید برای همه این مناطق برنامه واحد برای ارتقاء بکار برد بلکه هر منطقه برنامه جداگان‌های را می‌طلبد.

همه این پژوهش‌ها بر این نکته اذعان دارند که مناطق حاشیه‌نشین کانون مسائل و آسیب‌های اجتماعی است. اما پژوهش‌های داخلی از چندین نظر به لحاظ روشی و اهداف با پژوهش حاضر تفاوت دارند. نخست اینکه اکثر پژوهش‌های داخلی در پارادایم پوزیتویستی قرار می‌گیرد، در حالیکه این پژوهش تلاش دارد از این پارادایم گذار کند. در واقع بیشتر این پژوهش‌ها اگرچه به توصیف حاشیه‌نشینی پرداخته یا علل آسیب‌ها در حاشیه‌ها را توضیح داده‌اند لکن چندان به بستر یا مکانیسم‌هایی که این قواعد درون آن عمل می‌کنند، توجه نشان نداده‌اند. و مخصوصاً اینکه، علیرغم اهمیت ناحیه حاشیه‌نشین نایسر، این ناحیه کمتر و تنها در این اواخر مورد مطالعه قرار گرفته و بیشتر بر مناطقی دیگر مثل عباس آباد، کانی کوزه‌له و غیره تاکید شده است. مرور مطالعات خارجی نیز بار دیگر این امر را تأیید می‌کند که حاشیه‌نشینی مسئله کشورهای به اصطلاح جهان سوم است. علاوه براین، از آنجایی که این دسته از پژوهش‌ها به روش‌های متنوعی انجام شده، فرصت مقایسه با یافته‌های مطالعه حاضر در سطوح مختلف را فراهم می‌کند.

روش پژوهش

از آنجاییکه یکی از پیش فرض‌های مهم رئالیسم انتقادی تصور واقعیت به مثابه سیستمی باز است و نه سیستمی بسته در نتیجه روش‌های صرفاً پوزیتویستی یا تفسیری را در انجام پژوهش

کافی نمی‌داند (هایس، ۲۰۰۳: ۶۶). و ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی را در بررسی پدیده‌های مورد مطالعه بر می‌گزیند. بر این اساس پژوهش حاضر نیز به لحاظ روش، جزء روش‌های ترکیبی است. علاوه بر این، با توجه به اینکه روش ترکیبی نیز دارای رویه‌های متفاوت متوالی، همزمان و تبدیلی است (کرسول، ۱۳۹۱: ۴۰) در مطالعه پیش رو از رویه متوالی استفاده شده است. بدین صورت که ابتدا با استفاده از روش کمی پدیده مورد مطالعه، در سطح امر تجربی توصیف و سپس با استفاده از روش کیفی، تلاش شده است که امر بالفعل و واقعی در سطوح زیرین کشف گردد.

بستر مطالعه

بستر مطالعه پژوهش حاضر در بخش کیفی ناحیه نایسر است. نایسر یکی از ناحیه‌های جدید منفصله شهری است که در سال‌های اخیر بیش از هر ناحیه حاشیه‌نشینی در سندج در مورد آن در رسانه‌ها و مطبوعات بحث شده است. این ناحیه در گذشته یکی از روستاهای اطراف سندج بود و از سال ۱۳۸۵ و به دنبال مصوبه سفر استانی دولت احمدی‌نژاد به ناحیه منفصل شهری ارتقا یافت. بطوریکه نایسر از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ از رشد جمعیت کند و تدریجی برخوردار بوده و در آن زمان جمعیت نایسر ۹۳۸ نفر بوده است اما از سال ۱۳۸۵ جمعیت نایسر به یکباره افزایش یافته و با نرخ رشد غیر منتظره ۲۹٫۵ درصد به ۱۲۴۸۰ نفر افزایش پیدا کرده است. در دوره‌های بعدی نیز این رشد با شدت بیشتری ادامه یافته است بطوریکه برآورد جمعیتی مهندسین مشاور تدبیر شهر در سال ۱۳۹۳ جمعیت آن را چیزی بالغ بر ۵۳۶۷۸ نفر می‌داند جمعیتی که مطمئناً در سه سال اخیر نیز افزایش بیشتری یافته و به بالای ۶۰ هزار نفر رسیده است (خلاصه گزارش مهندسین مشاور تدبیر شهر، ۱۳۹۳: ۲).

فرایند گردآوری داده‌ها و نمونه‌گیری

در پژوهش حاضر از رایج‌ترین شیوه نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی یعنی شیوه نمونه‌گیری هدفمند، با حداکثر تنوع استفاده شده است. در این نوع از نمونه‌گیری افراد بر اساس اهداف و سوالات پژوهش انتخاب می‌شوند (ماک و دیگران، ۲۰۰۵: ۵). در عین حال نحوه دسترسی ما

به نمونه‌ها نیز به روش‌های مختلفی بوده است، در برخی از موارد مطلعین کلیدی افرادی را به ما معرفی کرده‌اند. در جاهایی آشنایان زمینه ساز معرفی برخی پاسخگویان بودند و مصاحبه‌های مربوط به نهادها نیز با رجوع به سازمان مربوطه و کسب رضایت از افراد انجام شده است. بر این اساس در پژوهش حاضر نیز با پیروی از این اصل در میان گروه‌های هدف متنوع جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه‌ها تا آنجایی طول داده شد که پاسخگویان نکات جدیدی برای گفتن نداشتند. بطوریکه فضای مفهومی سوال‌های پژوهش اشباع شدند و پاسخ‌های افراد تکراری یا مشابه به نظر می‌رسیدند. جمع‌آوری داده‌های میدانی پژوهش نیز به لحاظ زمانی از اواخر آبان ماه ۱۳۹۶ تا اواسط بهمن ماه ۱۳۹۶ (یعنی حدود سه ماه) انجام شده است. روی هم رفته در بخش کیفی مطالعه حاضر ۳ گفتگو، ۱۹ مصاحبه و ۴ مصاحبه گروهی^۱ انجام شد (جداول ۱ و ۲).

جدول (۱): مشخصات جمعیت‌شناختی افراد شرکت‌کننده در گفتگو و مصاحبه‌ها

تحصیلات						جنسیت	
فوق و بالاتر	لیسانس	دیپلم	سیکل	ابتدایی	بیسواد	زن	مرد
۲	۵	۵	۵	۳	۲	۱۰	۱۲

سن				شغل				
۵۰ به بالا	۴۰ تا ۵۰	۳۰ تا ۴۰	زیر ۳۰	بیکار	دانشجو	شغل دولتی	شغل آزاد	خانه‌دار
۲	۳	۸	۹	۲	۱	۴	۱۱	۴

جدول (۲): مشخصات مصاحبه‌های گروهی

ردیف	نام	جنسیت	تعداد	مکان	تاریخ	زمان
۱	گروه اول	ترکیبی	۳	پایگاه خدمات اجتماعی	۹۶/۱۰/۶	۱:۳۴:۱۶
۲	گروه دوم	ترکیبی	۴	پایگاه خدمات اجتماعی	۹۶/۹/۲۶	۲:۴۱:۳۷

در بخش کمی پژوهش حاضر نیز برای دستیابی به یک نمونه معرف از جامعه مورد مطالعه از ترکیبی از نمونه‌گیری‌های احتمالی استفاده شده است. ازسویی بر اساس نمونه‌گیری طبقه‌بندی

متناسب سعی شده است که از میان هر دو جنسیت زن و مرد به تناسب انتخاب شود. از سوی دیگر بر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای از میان خیابان‌های مختلف حیران، کرد، کوریشک آباد و... و براساس تناسب جمعیتی نمونه‌های لازم بدست آمد. در نهایت نیز پاسخگویان هرکدام از مناطق تعیین شده به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده‌اند (جدول ۳).

جدول (۳): مشخصات محلات و تعداد افراد انتخاب شده از هر محله

نام محله	تعداد	نام محله	تعداد	نام محله	تعداد	نام محله	تعداد
کوریشک آباد	۴۳	زاگرس و دکل	۳۱	قانع	۲۵	حیران	۴۲
امام شافعی	۴۰	بهارستان	۴۰	فرهنگیان	۲۰	آوان	۱۰
نایسر قدیم	۴۳	کورد	۴۰	مولوی	۲۵	آریز	۴۳
جمع کل							۴۰۲

جهت تقلیل و تحلیل داده‌ها نیز در بخش کیفی از روش کدگذاری تماتیک استفاده شده است. کدگذاری تماتیک یکی از انواع تحلیل کیفی است و برای مقوله‌بندی و ارائه مضامین بکار می‌رود (الحوجیلان، ۲۰۱۲: ۴۰). برای تحلیل داده‌ها در بخش کمی هم از آمارهای توصیفی همچون فراوانی، درصد فراوانی و درصد معتبر استفاده شده است.

ارزیابی کیفیت و اعتبار یافته‌ها

اکثر محققان کیفی به جای استفاده از واژگان اعتبار و روایی کمی از مفهوم «قابلیت اعتماد» برای اشاره به ارزیابی کیفیت نتایج پژوهش‌های کیفی استفاده می‌کنند. در یکی از مشهورترین دسته‌بندی‌ها گوبا و لینکلن (۱۹۸۵) معتقدند که معیار قابلیت اعتماد نیز در بردارنده چهار معیار جداگانه باورپذیری، انتقال‌پذیری، اطمینان‌پذیری و تأییدپذیری است (هارد کاستل و دیگران، ۲۰۰۶؛ پین و پین، ۲۰۰۴؛ فلیک و دیگران، ۲۰۰۴). بر این اساس در مطالعه حاضر اقدامات خاصی انجام شده و سعی شده است حتی امکان قابلیت اعتماد در بالاترین حد خود باشد. در زمینه افزایش باورپذیری محققین سعی کرده‌اند با توجه به بودجه زمانی طرح، بیشترین تماس را با محیط پژوهش داشته باشند. یعنی دو ماه صرف جمع‌آوری اطلاعات کمی و کیفی شده است. در زمینه بحث انتقال‌پذیری داده‌های مطالعه حاضر باید گفت که پیش فرض محقق در مطالعه

حاضر این بوده است که با توجه به اینکه شرایط نایسر و مکانیسم‌های موجود در آن تا اندازه زیادی شبیه سایر مناطق حاشیه‌نشین سندج است در نتیجه مطالعه دقیق این محیط می‌تواند دلالت‌های زیادی در زمینه شناخت و وضعیت و ارائه راهکار برای سایر مناطق حاشیه‌نشین سندج به دنبال داشته باشد. سومین مسئله مهم در بحث قابلیت اعتماد روش‌های کیفی قابلیت اطمینان است. در این زمینه نیز سعی محقق آن بوده که با ذکر دقیق مراحل انجام کار و افراد مورد مطالعه خواننده را متقاعد کند که با توجه به فرایند طی شده یافته‌ها از قابلیت اطمینان برخوردار است. در ضمن اگر کسی بخواهد مراحل طی شده در جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها را مشاهده کند همه موارد مربوط به مصاحبه‌های ضبط شده، متن‌های دانلود شده، فهرست مصاحبه شونده‌گان، یادداشت‌های میدانی پژوهشگران و روند استخراج مقولات موجود و باپگانی شده است. در نهایت اینکه در پژوهش حاضر به منظور تأمین تاییدپذیری، روال و فرایند استنتاج‌ها و تفسیرها و منطبق رسیدن از داده‌ها به تفسیرها و یافته‌ها به نحوی آشکار توضیح داده شده است. همچنین پژوهشگر سعی کرده است با رعایت اصل باز اندیشی نشان داده شود که عقاید، باورها، ارزش‌ها و پیش‌فرض‌های محقق در کجاها بر پژوهش تأثیر گذاشته است و باز اندیشی و خود انتقادی محقق در گزارش پژوهش منعکس گردد.

در بخش کمی نیز برای اعتبارسنجی صوری پرسشنامه طراحی شده از نظرات دو استاد جامعه‌شناسی، یک استاد روانشناسی و سه نفر همکار پژوهشی طرح حاضر استفاده گردید. و نکات مورد نظر آنها در پرسشنامه لحاظ گردید. علاوه بر این، در ارائه انواع آسیب‌های اجتماعی موجود در نایسر ابتدا بر اساس مطالعات کیفی، انواع آسیب‌هایی که وجود دارد شناسایی شد و سپس جهت تعیین اولویت و دسته‌بندی آسیب‌ها از پرسشنامه استفاده گردید.

یافته‌های پژوهش

(۱) سطح امر تجربی: پدیده

یافته‌های کمی و کیفی پژوهش نشان داد که منطقه حاشیه‌نشین نایسر از نظر ساکنان، مرکز مسائل و آسیب‌های اجتماعی مختلف است. که اگر پاسخ پاسخگوین بر اساس گزینه‌های متوسط و زیاد جمع شود سه تیپ آسیب را می‌توان دسته‌بندی نمود. الف) آسیب‌های جدی:

منظور از این آسیب‌ها آن دسته آسیب‌هایی است که اکثر پاسخگویان به وجود آنها اعتقاد جدی دارند و در سیاستگذاری‌ها نیز می‌بایست در اولویت قرار بگیرند. این آسیب‌ها به ترتیب اولویت عبارتند از: (۱) اعتیاد (۲) زنان سرپرست خانوار (۳) فروش مواد مخدر (۴) ولگردی (۵) تکدی‌گری (۶) گروه‌های مذهبی افراطی (۷) سرقت (۸) فساد و فحشا (۹) کودکان کار (۱۰) خانواده‌های بدسرپرست (۱۱) دعوا و نزاع‌های خیابانی، (۱۲) کلاهبرداری. ب) در دسته بعدی آسیب‌هایی قرار دارد که از نظر پاسخگویان در رده متوسط قرار می‌گیرد و به لحاظ اهمیت در درجه دوم قرار دارند. این آسیب‌ها عبارتند از: (۱) فروش و مصرف مشروبات الکلی (۲) مزاحمت‌های خیابانی (۳) همسر آزاری (۴) خیانت زناشویی (۵) کودک آزاری و (۶) کارتن خوابی. ج) در نهایت آسیب‌های کم اهمیت قرار دارند که بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر تنها خودکشی در این دسته قرار می‌گیرد.

(۲) سطح امر بالفعل: مکانیسم‌ها

مکانیسم‌ها یکی از مهمترین و مشخص‌ترین ابزار هر تبیین رئالیستی است و از آنجایی که این مکانیسم‌ها اغلب پنهان هستند، بنابراین محققان به روش‌های مختلف بایستی در جهت کشف و شناسایی و تشخیص آنها اقدام کنند. همانطور که اندرو سایر می‌گوید سازوکارهای خاص زمانی که فعال می‌شوند تأییراتی در ترکیب‌ها به جای می‌گذارند که ممکن است منحصر به فرد باشد و گاهی یک سازوکار ممکن است بر حسب شرایط به حوادثی متفاوت منجر شود (سایر، ۱۳۹۳: ۱۳۴). نتایج پژوهش حاضر نشان داد که سه مکانیسم مهم در منطقه حاشیه‌نشین نایسر وجود دارد که میانجی ظهور آسیب‌های اجتماعی است. این سه مکانیسم عبارتند از: تبعیض اداری و شهری، انگ بدنامی و عدم‌تعلق مکانی.

۲-۱- تبعیض اداری و شهری

تبعیض اداری و شهری که ساکنین به کرات در مورد تجربه و یا مشاهده آن سخن گفته‌اند بر وضعیتی دلالت دارد که طی آن نگاه نابرابری نسبت به نایسر و سایر مناطق حاشیه‌نشین در مقایسه با سایر مناطق توسعه یافته شهری وجود دارد و نهادها و سازمان‌های دست‌اندرکار امور

شهری به شیوه‌های مختلف از بی توجهی گرفته تا سوء استفاده، وضعیت نایسر را بازتولید می‌کنند. در این زمینه یکی از پاسخگویان به نام برهان (۴۵ ساله و دارای تحصیلات ابتدایی) در بیان تبعیض نایسر را، به لحاظ امکانات، با مناطق بالاشهری مثل شالمان و حتی روستاهای کوچک مقایسه می‌کند و می‌گوید:

«شما اینجا رو با شالمان مقایسه کنید. از نظر بهداشتی رفاهی نگاش کنید. الان هرجایی میری، حتی هر روستایی چند تا تاب و سرسره گذاشتن که بچه‌ها با آن بازی می‌کنن ولی نایسر با چند هزار جمعیت هیچ کاری براش انجام ندادن. این تبعیض نیست؟ هر جا میری حداقل یک پارک کوچک یا وسایلی برای ورزش صبحگاهی هست ولی اینجا دریغ از حداقل امکانات. آیا واقعا نمی‌تونند چارتا چیز اینجوری برای نایسر درست کنن؟ که یک بچه وقتی حوصله‌اش سر می‌ره با اون بازی کنه. این واقعا به نظر شما تبعیض نیست؟»

سهیلا (۴۳ ساله و خانه دار) نیز در مورد تجربه خود از تبعیض اداری می‌گوید:

«دولت واقعا تبعیض قائل می‌شود نسبت به نایسر. من الان یک هفته‌س که به دنبال یکسری کارهای اداری هستم. مثلا به کارمندی داره کار چند نفر رو راه می‌ندازه و به کارشون رسیدگی می‌کنه، اما همین که یک نفر بگه که از نایسر اومدم اون کارمند با لحنی تند می‌گه تو فعلا برو عقب. حتی از این لحاظ هم تبعیض قائل می‌شن.»

تینا (۳۵ ساله و دارای تحصیلات ابتدایی) نیز در تأیید حرف دیگران می‌گوید:

«دولت واقعا نسبت به نایسر تبعیض واقع میشه. و مزایایی که برای مناطق دیگر در نظر می‌گیرن برای ما اصلا وجود نداره. مثلا نایسر الان چند وقته که درست شده. زمانی که بهاران و ویلاشهر و شهرک مولوی و... اصلا وجود نداشتن. ولی الان برین ببینین چقدر به اونجاها رسیدن ولی نایسر هیچ... فقط شایعه پراکنی می‌کنن که درستش می‌کنیم ولی نه والا هیچ خبری نیست.»

۲-۲- انگ بدنامی

دیگر مکانیسم مهم دخیل در وضعیت نایسر نوعی از انگ زنی است که در سطوح مختلف به مناطق حاشیه‌نشین و در اینجا به نایسر و کسانی که در آن زندگی می‌کنند داده می‌شود. این انگ

که معمولا خواسته و ناخواسته از سوی نهادها و رسانه‌ها بازتولید می‌شود به کرات از سوی مصاحبه‌شوندگان حاضر در این پژوهش بازگویی شده است و به ایجاد نوعی حس شرمساری در درون آنها انجامیده است. تینا (۳۵ ساله و دارای تحصیلات ابتدایی) در باره این حس می‌گوید:

«وقتی به دیگران می‌گی که توی نایسر زندگی می‌کنم یه جور دیگه نگاهت می‌کنن. والا بارها شده که من خجالت کشیدم بگم تو نایسر زندگی می‌کنم. نمی‌دونم چرا دیدشون اینجوریه؟ من خودمم حتی اینجوری هستم... مردم در مورد یه جاهایی مثل نله، نایسر، وآساوله کلا دید خوبی ندارن».

نکته مهم آنجاست که این بدنامی و انگ زنی زمینه ساز افزایش آسیب‌های اجتماعی در نایسر و جذب مجرمان از سایر نقاط شهر و کشور می‌شود. در همین زمینه خانم رضایی، یکی از مددکاران پایگاه خدمات اجتماعی نایسر می‌گوید:

«ما که قبلا توی خانه سلامت کار می‌کردیم، موردهایی که نیرو انتظامی می‌آوردن برامون کسانی بودن که مشکل اخلاقی داشتن. در میان اونا بودن کسانی که اهل عباس آباد، تفتقان و... بودن اما برای انجام کارهای خلافشون می‌اومدن تو نایسر و نیرو انتظامی اونا رو تو نایسر می‌گرفت. یا مثلا صبح‌ها که میایم ورودی نایسر می‌بینیم که ماشین‌های مدل بالا میان تو نایسر و این افراد ساکن نایسر نیستن و به خاطر کارهایی که خودشون می‌خوان میان نایسر و این جور چیزا ملکه ذهن افراد سندج شده و به این معتقدند که فقط برای انجام کارهای خلاف افراد میان نایسر».

اما فرزند (۳۵ ساله و دیپلم) این تصور را خیالی و ساختگی می‌داند و در مورد نایسر می‌گوید:

«واقعاً نایسر فقط مثل یه روستا میمونه مثل یه روستای بزرگ. دیگه چیزی نیست. باور کنید من بارها بوده که شب تا صبح در ماشینم باز بوده و هیچ اتفاقی هم نیافتاده... یه سری آدم‌های بد هستند که قضاوت بد می‌کنن در مورد اینجا».

۲-۳- عدم تعلق مکانی

یکی از مکانیسم‌های دیگر بسیار مهم در مناطق حاشیه‌نشین و مخصوصا در مورد نایسر این است که در نتیجه بستر نامناسب و سایر مکانیسم‌ها و برخی آسیب‌های اجتماعی تقریبا همه

ساکنین نایسر تمایل به نقل مکان از نایسر را داشته و احساس تعلق بسیار کمی نسبت بدان دارند. در این میان تنها گروه‌هایی که کمتر تمایل به نقل مکان در آنها مشاهده می‌شود گروه‌های هستند که از قدیم الایام در نایسر ساکن بوده‌اند و خاطرات خوبی از آن دارند، و یا گروه‌هایی که بواسطه شغل و درآمدشان از نایسر ارتزاق می‌کنند. در این رابطه سوران (۲۸ ساله و لیسانس) با تمایز میان تعلق قلبی و تعلق فکری، عدم تعلق ذهنی خود به نایسر را چنین بیان می‌کند:

«انسان هر جایی که زندگی می‌کند نسبت به اونجایی که بزرگ شده عشق و علاقه‌های داره و نایسر هم خاطرات خوب و خوشی برام داره و بالاخره خاطرات خاصی برام داره ولی از بعد جسمی، از بعد فکری و عقلی و مغزی جای مناسبی نیست... بنابراین تعلق از نظر قلبی طبیعتاً دارم چون الان ۱۰-۱۲ ساله که اینجا زندگی می‌کنم ولی از نظر عقلی اگر قرار باشه من جایی رو برای زندگی انتخاب کنم، قطعاً نایسر نیست.»

این عدم تعلق مکانی مخصوصاً در میان مستاجرینی که از جاهای دیگر می‌آیند و تنها مدت کمی در نایسر می‌مانند بسیار بیشتر است. اهمیت نمود این امر از آنجایی ناشی می‌شود که بر اساس پژوهش‌های انجام شده نرخ پایین تحرک‌ها باعث تقویت همسایگی می‌شود. برای مثال در چین اعمال محدودیت‌ها بر مهاجرت روستاییان و محدودیت‌های مربوط به جابه جایی داخل شهری باعث بوجود آمدن نوعی ثبات بی سابقه در شهرها شده است. مثلاً در مطالعه‌ای مشخص شد که هر شهروند بطور متوسط ۱۸ سال را در یک آپارتمان یا خانه می‌گذراند (بلومبرگ، ۱۳۹۰: ۲۱۸). این امر مطمئناً نقش مهمی در تقویت هویت محل‌های و کاهش جرائم و آسیب‌های اجتماعی خواهد داشت. اما مطالعه حاضر در محیط نایسر نشان می‌دهد که معضل اصلی نایسر ساکنین مستاجرانی هستند که گمنام‌اند و ساکنین اصلی آنها را نمی‌شناسند در همین رابطه آمنه خانم (۶۰ ساله و بی‌سواد) می‌گوید:

«والا الان پانزده ساله که اینجا، هیچ بدی از کسی ندیدم. شکر خدا کوچه مون خوبه و ولگرد توش نیست. فقط یکی دوتا خونه هست که مشکل دارن و اونا هم مستاجرن میان و میرن. همسایه‌های قدیمی مون همشون خوبن، ولی این چند نفر که مستاجرن، چی بگم زیاد خوب نیستن.»

(۳) سطح امر واقعی: بستر و شرایط

در سطح امر واقعی بستر و شرایطی قرار دارد که زمینه ساز مسائل اجتماعی است منظور از بستر آن ویژگی‌های موقعیتی است که در آن پدیده‌ها رخ می‌دهند و عملکرد پدیده را تسهیل می‌کنند یا مانع می‌شوند (پاوسون و تیلی، ۱۹۹۷: ۷). بنابراین بر خلاف پژوهش‌های آزمایشی که معمولاً این شرایط را نادیده می‌گیرد وظیفه پژوهشگری که با رویکرد رئالیستی پژوهش انجام می‌دهد آن است که این شرایط را مشخص کند. بر این اساس مهمترین بسترها و شرایط زمینه ساز آسیب‌های اجتماعی در منطقه نایسر سندج به قرار زیر است:

۱. محدودیت امکانات

یکی از عوامل اصلی بستر ساز مسائل اجتماعی در منطقه نایسر تحت عنوان مقوله محدودیت امکانات نامگذاری شده است. این مقوله، در چهار زیر مقوله دیگر یعنی ۱. محدودیت امکانات فرهنگی، ۲. محدودیت امکانات فراغتی و بهداشتی، ۳. محدودیت‌های کالبدی-فضایی، ۴. کمبود تسهیلات شهری و ۴. محدودیت‌های نهادی-قانونی نامگذاری شده است. مقوله محدودیت امکانات دلالت بر این دارد که محیط زندگی ساکنان نایسر پر از محدودیت‌های مختلفی است که زمینه را برای آسیب‌های اجتماعی مختلف فراهم می‌کند. نایسر محیطی است که اگرچه در سال‌های اخیر با اقدامات دولت و خود مردم تغییر و تحولی یافته است اما هرکسی که به این محیط پا می‌گذارد بلافاصله این محدودیت‌ها را به چشم خود می‌بیند.

۳-۱-۱- محدودیت امکانات فرهنگی

منظور از محدودیت امکانات فرهنگی این است که منطقه نایسر در زمینه امکانات فرهنگی جزء مناطق توسعه نیافته شهر سندج است. یافته‌های کیفی این پژوهش نشان داد که اکثر پاسخگویان از نبود امکانات فرهنگی در نایسر گلایه دارند و به شدت در این زمینه احساس نیاز می‌کنند. منظور ساکنان از فقدان امکانات فرهنگی نبود کتابخانه، سینما، تئاتر، کافه کتاب، دکه‌های روزنامه فروشی، دوری از دانشگاه‌ها، مدارس و مهدکودک‌های غیر استاندارد و کمبود کلاس‌های آموزشی و مهارتی است. به اعتقاد ساکنان ناحیه نایسر با این حجم از جمعیت نیازمند امکانات

فرهنگی مذکور است و نبود آنها یکی از عوامل بسترساز مسائل اجتماعی است. برای مثال سوران (۲۸ ساله و لیسانس) نیز در مورد مشکلات مدارس نایسر از جمله دوری، فقدان امکانات، وضعیت معلمان و... می‌گوید:

«والا آموزش و پرورش توی نایسر خیلی ضعیفه. مثلاً ما به مدرسه‌های داریم که اصلاً حیاط نداره... یکی از کارآموزام قسم می‌خورد که معلم سر کلاس تزییق می‌کرد و من رو فرستاده که برم از بیرون براش مواد بیارم. و به کارآموز دیگه دارم که کلاس چهارم است و با یک کیف مواد گرفتنش... مدرسه دخترانه توی انت‌های نایسره و مدرسه پسرانه هم دقیقاً کنار دستش. و با هم هم شیفت هستن و با هم زنگشون می‌خوره و میان بیرون و چون مدرسه آخره نایسره تا بخوان بیان داخل نایسر ممکنه براشون اتفاقاتی بیافته. از طرف دیگه آموزش و پرورش رفته اون بالا روی کوه به مدرسه درست کرده و من یک کارآموز داشتم که سگ بهش حمله کرده بود و افراد فرصت طلبی نیز هستند که می‌تونن توی آن جاهای خلوت خیلی کارها انجام بدن».

از نظر سایر امکانات فرهنگی مثل کتابخانه، سینما، کافه کتاب، کلاس‌های آموزشی و... نیز وضعیت نایسر اصلاً مناسب نیست و بسیاری از افراد علاقمند به این گونه فعالیت‌های فرهنگی یا کلا علایق خود را کنار گذاشته‌اند یا مجبورند برای دنبال کردن علایق خود مسافت‌های زیادی تا داخل شهر بیایند.

۳-۱-۲- محدودیت امکانات فراغتی و بهداشتی

نوع دیگر محدودیت امکانات در منطقه نایسر از نظر ساکنان نبود امکانات فراغتی و بهداشتی مثل پارک، شهربازی، استخر، سالن ورزشی، بیمارستان و درمانگاه مجهز است. نایسر به عنوان بزرگترین منطقه حاشیه‌نشین استان کردستان فاقد هر نوع فضای سبز و درختکاری مرتب و منظم است. و اندک فضای سبزی که روی نقشه در نایسر مشاهده می‌شود، باغاتی است که هنوز تغییرکاربری داده نشده است. در عین حال سراسر نایسر فاقد هرگونه پارک تفریحی است. تقریباً اکثر مصاحبه‌شوندگان، به این وضعیت اعتراض داشتند و برخی معتقد بودند که حتی دیگر مناطق حاشیه‌نشین سنندج مثل نله، عباس آباد و... دارای پارک است اما در نایسر هیچ

گونه پارک و فضای سبزی وجود ندارد. در این رابطه سهیلا، (۴۳ ساله و دارای تحصیلات ابتدایی) می‌گوید:

«اینجا طوری نیست که وقتی مثلا حوصلت سر میره بری به پارکی به جایی، اینجا اون امکانات رو نداریم. و اینکه خیلی دوره به داخل شهر. این چیزها واقعا آدم رو عذاب میده. مثلا هم سن و سال‌های این بچه من، پارک یا هرجایی که بخوان میرن، ولی بچه من هیچ امکاناتی در اختیارش نیست. یا مثلا خواهر من یا فامیل‌هامون، عصرها اگر حوصله شون سر بره میرن پارک ولی ما اینجا هیچ امکاناتی نداریم».

فقدان امکانات ورزشی مسئله دیگر ساکنان نایسر است. به گفته اکثر مصاحبه شونده‌گان در سراسر نایسر، مکان‌های ورزشی عمومی مثل استخر، سالن ورزشی و... وجود ندارد و این مسئله علاقمندان به ورزش را دچار سرخوردگی کرده و گذران اوقات فراغت را برای آنها با مشکل مواجه ساخته است. عرفان (۲۶ ساله و دیپلم) در بیان مقایسه میان نایسر و محیط سکونت قبلی خود می‌گوید:

«در محل سکونت قبلی مون امکانات رفاهی خیلی خیلی بهمون نزدیک بود، مثلا هر وقت جمعه‌ها که دوست داشتیم مسیر تکیه و چمن تا میدان گاز رو با دو می‌رفتیم. ولی اینجا چنین چیزی برای من فراهم نیست. بعضی وقت‌ها تو خونه بهم میگن که چرا صبح‌ها وقتی میری سرکار دو نمی‌ری، و من هم میگم که برای دو باید به جای صاف باشه که آدم بتونه دو بره ولی اینجا تمام کوچه‌هاش پر از چاله‌چوله‌س... امکانات ورزشی اینجا صفره، و اونهایی هم که وجود داره اصلا به درد نمی‌خوره».

البته در سال‌های اخیر باشگاه‌های خصوصی پرورش اندام و... در نایسر دایر شده که برخی از پاسخگویان معتقدند این باشگاهها تخصصی نیست و مربیان آنها هم فاقد مجوز مربی‌گری هستند. در همین رابطه نسرین (۲۵ ساله و لیسانس) می‌گوید:

«دقیقا سر کوچه ما چارتا باشگاه هست و خواهر و برادر خودم میرن و استفاده می‌کنن و این باشگاه‌ها هم اونطوری نیست که بگی فقط مختص خانم‌هاست، صبح‌ها خانم‌ها میرن و بعدازظهرها هم آقایون و مربی‌ها هم مجوز مربی‌گری ندارن، شاگرد بودن که اینجا شدن مربی».

به لحاظ امکانات بهداشتی نیز اگرچه چندین خانه بهداشت در نایسر وجود دارد اما بیشتر ساکنین نبود بیمارستان مجهز یا کلینیک‌های مجهز را در نایسر یک معضل می‌دانند و دوری نایسر از داخل شهر نیز موجب نگرانی آنها در هنگام بیماری‌های جدی است. در این رابطه عرفان (۲۶ ساله و دیپلم) می‌گوید:

«کلینیک مجهز یا بیمارستان مجهز اینجا وجود ندارد و واقعا مردم اینجا به خاطر مشکلات زیادی که دارن، به خاطر گرد و خاکی که همیشه توی این محیط هست، نسبت به مردم داخل شهر بیشتر مریض می‌شن و بیشتر دچار گرفتاری و مشکل می‌شن. حالا آگه بیمارستان رو هم نگیم، یه کلینیک مجهز اینجا وجود نداره. فقط یه دکتر داره؛ در واقع امکانات زیادی نداره.»

علاوه بر امکانات بهداشتی، بعد دیگر مسئله بهداشت در نایسر مسئله نظافت کوچه‌ها و خیابان‌ها است. امری که بسیاری از مصاحبه‌شوندگان روی آن تاکید دارند، بطوریکه شهرداری تنها در خیابان‌های اصلی سطل‌های اشغال را تعبیه کرده و در داخل کوچه‌ها هیچ سطل آشغالی نیست. از سوی دیگر تعداد سطل‌های اشغال نیز کافی نیست و تجمع آشغال‌ها در خیابان‌های نایسر موجب تجمع حیوانات ولگرد شده است.

۳-۱-۳- محدودیت‌های کالبدی و فضایی

مهم‌ترین مسائل کالبدی نایسر از نگاه ساکنان این ناحیه کوچه‌های خاکی و فاقد آسفالت، و بافت نامنظم خیابان‌های و کوچه‌ها است. این امر نه تنها برای هر رهگذری کاملاً عیان است، بلکه ساکنان هرروزه با آن دست به گریبانند و زندگی در نایسر را برایشان با مشکل مواجه ساخته است. مشکلات کالبدی مخصوصاً در فصول تابستان به شکل گرد و خاک و در فصل زمستان به صورت گل و لای زندگی ساکنین را با مشکل جدی مواجه می‌سازد. در این زمینه فریاد (۲۶ ساله و دیپلم) می‌گوید:

«یکی از مشکلاتی که در اینجا وجود داره، مشکل کوچه‌ها است. الان که هوا خوبه هیچی ولی موقع بارندگی نمی‌تونن اصلا تو این کوچه‌ها رفت و آمد کنی. همش گل و لای هستش. و توی تابستان همش گرد و خاکه. یعنی من مغازه خودم رو آگه هر یه ساعت یه بار دستمال

بکشم و تمیزش بکنم بازم کثیفه و بازم خاک جمع میشه. و این مسئله واقعا برای سلامت خود من ضرر داره و این واقعا خطرناکه و من این وضعیت رو تو هیچ جایی ندیدم».

در همین رابطه تینا (۳۵ ساله و دارای تحصیلات ابتدایی) نیز می‌گوید:

«وضعیت کوچه و خیابان والا اصلا خوب نیست. مثلا وقت‌هایی که بارون میاد دیگه تمام این کوچه‌ها گلی هستن. حتی تو زمستان خجالت می‌کشیم که بریم تو شهر، به خاطر کفشهامون، لباسهامون، چون همشون گلی میشن. باور کنید وقتی می‌ریم سر خیابان، آگه به ماشینی بزنه توچال‌های، چیزی... تمام کفش و لباسهامون گلی میشه. تمام کوچه‌هامون افتضاحه».

یکی دیگر از شهروندان به نام سارا (۲۵ ساله و لیسانس) در تأیید سخنان فوق می‌گوید:

«جاده نایسر واقعا افتضاحه، اینجا جدول کشی نداره، خیابان اصلی واقعا خرابه. مثلا پارسال که خیابان اصلی همه آسفالتش تیکه تیکه و سوراخ شده بود، وقتی نزدیک انتخابات بود، نماینده‌ها برای تبلیغ خودشون اومده بودن همه اون چاله چوله‌ها رو با خاک پر کرده بودن به جای آسفالت».

۳-۱-۴- کمبود تسهیلات شهری

منظور از کمبود تسهیلات شهری نبود امکاناتی ابتدایی مثل آب، برق، تلفن، گاز و سیستم فاضلاب کشی است که هر شهروندی برای یک زندگی حداقلی در شهر نیاز دارد. در نایسر اگرچه برخی از امکانات وجود دارد، اما این امکانات در حد نازلی است و اکثر شهروندان، مخصوصا مناطق دور افتاده و پرت به نبود امکانات اعتراض دارند و همین مسئله باعث شده است که عده‌های به شیوه‌های غیر قانونی در جهت تأمین این امکانات بر آیند. در این زمینه حسین (۳۵ ساله و سیکل) می‌گوید:

«اکثر مردم اینجا از محل زندگیشون راضی نیستن. ما قبلا مشکل فاضلاب داشتیم و با هزار بدبختی از مردم پول گرفتیم و ردش کردیم اگرچه فاضلاب اصلا اساسی رد نشده... الان بعضی از خونه‌ها هستن که گاز ندارن، برق ندارن. این‌ها مشکلاتی است که توی نایسر داریم».

نبود آب و برق در برخی از مناطق موجب می‌شود که ساکنان این مناطق برای تأمین آب آشامیدنی و برق مورد نیاز از روش‌های غیر قانونی استفاده کنند. در همین رابطه سهیلا (۴۳) ساله و دیپلم) می‌گوید:

«خود من به خونه خریدم توی محله دکل که نه آب بهش می‌دن و نه برق داره. و وقتی هم که پیگیری می‌کنم میگن اونجا فضای سبزه و به مرور زمان باید تخریب بشه. در صورتیکه چندتا خونه دیگه هم اونجا هست و دارن زندگی می‌کنن و اون محله که دولت بهشون آب نمی‌ده همه رفتن آب دزدی از لوله‌های همسایه‌ها برای خودشون آوردن و در واقع مجبورن و چاره دیگری ندارن».

۳-۱-۵- محدودیت‌های نهادی-قانونی

محدودیت‌های نهادی-قانونی به عنوان یکی از محدودیت‌های مهم موجود در منطقه حاشیه‌نشین شهر سنندج دلالت بر طیفی از رویکردهای منفی نسبت به نایسر دارد که از فقدان و غیبت قانون و نهادها تا بی‌توجهی، موازی‌کاری ادارات، فقدان مسئولین دلسوز، فساد اداری و دیر تأسیس شدن نهادهای مهم را در بر می‌گیرد. این مسئله را بارها ساکنان نایسر بیان کرده‌اند که یا برخی نهادها دیر تأسیس شده و اکنون نیز هنوز تأسیس نشده‌اند. بطوریکه برای گرفتن یک امضاء مجبور می‌شوند چند ساعت تا داخل شهر رفته و برگردند و یا اینکه نهادهای موجود در نایسر به دلایل مختلف آن نظارت و دقت کافی را ندارند و به همین دلیل به جای حل مشکلات هر روز مشکلات جدیدی در نایسر سر بر می‌آورد. برای نمونه روناک (۳۲) ساله و دیپلم) که از قدیم الایام در نایسر ساکن بوده و در عین حال فعال اجتماعی نیز هست در این باره می‌گوید:

«من از لحظه که خودم رو شناختم برای تمام کارها از آب و فاضلاب گرفته تا برق و گاز و همه چیز برای نایسر تلاش کردم، ولی به قول قدیمی‌ها به دست صدا نداره و مسئول‌ها همکاری نمی‌کنن. یعنی اگر خداییش ما به مسئول دلسوز در نایسر داشته باشیم مشارکت مردم عالیه. برای مثال توی خیابان حاجی فیضه قرار بود خود مردم در حد توانشون پول

جمع‌کنن و فاضلابش رو رد کنن و آسفالت بشه. مردم خودیاری کردن و پول جمع شد اما چون مسئولین نبودن و همکاری نکردن بازم این پول رو به افراد برگردوندن». فرزاد (۲۵ ساله و دیپلم) هم که اصالتا اهل روستای ژان اورامانات است دربارهٔ دیر تأسیس شدن نهادها در نایسر می‌گوید:

«روز اول شهرداری می‌تونست اینجا رو کنترل بکنه. آقایون و مسئولین دولت شما اگر سال ۸۲-۸۳ شهرداری رو می‌آوردین توی نایسر که جلوگیری بکنه از این ساخت و ساز غیر مجاز این مشکلات پیش نمی‌اومد. نه اینکه بعد از درست شدن نصف نایسر تازه شهرداری اومده اینجا. نیرو انتظامی هم باید از روز اول می‌اومد توی نایسر. الان ما پاسگاه نیرو انتظامی داریم اینجا ولی دیر اومدن. و خودشون هم میگن که ما الان دیگه نمی‌تونیم کنترل بکنیم و فقط باید مدارا بکنیم... یا مثلا نماینده ما میاد و میگه که نایسر دوتا چاه نفت [برای حل مشکلات آن] لازم داره. بله درست می‌گی آقای نماینده ولی چرا از همون روز اول نیومدی این رو بگی».

یکی از مسائل قانونی-نهادی دیگری که به کرات مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره می‌کنند، سوء استفاده‌های نهادها و ماموران وابسته به آنها از ساکنان نایسر است. مخصوصا مواردی مثل رشوه‌گیری کارکنان نهادهای دولتی را بسیاری خود با چشم خویش دیده‌اند و همین مسئله موجب کاهش اعتماد بدان‌ها شده است. برای نمونه فرزاد (۳۰ ساله و لیسانس) در این باره می‌گوید:

«ما خودمون همه دیدیم که برای این ساخت و سازها چه پول‌هایی که نگرفتن. و هر مسئولی هم که اومده نایسر، دوماه، سه ماه اینجا بوده و شده مسئول خدمات نایسر یا مأمور شهرداری بوده، همشون خودشون رو جمع کردن و رفتن. و بعد از یک مدت که از کارشون باخبر می‌شدن، انگلی بهشون می‌زدن و بیرونشون می‌کردن. ولی توی این مدت مثلا طرف پول جمع می‌کرد و از این کارها. شاید شما باور نکنید ولی می‌شناسم کسی رو که بوده شبی ۱۸ میلیون کاسبی کرده، در حالیکه یه کارگر ساده بوده».

نگاه منفی ساکنین نسبت به فعالیت و کم‌کاری نهادها و در نتیجه کاهش اعتماد آنها به نهادها تا آنجا است که فرزاد (۳۰ ساله و لیسانس) در ادامه صحبت‌هایش می‌گوید:

«هرجایی که کار افتاده دست دولت و دست مسئولین واقعا کوتاهی کردن و هیچ کاری رو برای نایسر انجام ندادن هر کاری هم که کردن همش دروغ بوده و صادقانه می‌گم هیچ کاری هیچ کاری رو برای نایسر انجام ندادن».

۳-۲- فقر

مفهوم فقر با حاشیه‌نشینی پیوندی ناگسستنی دارد. این را در وهله نخست از روی اسامی می‌توان تشخیص داد که به جای حاشیه‌نشینی در طول تاریخ و در فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف بکار می‌رود: مفاهیمی مثل آلونک‌نشینی، زاغه‌نشینی و... که همگی بر فقیر بودن ساکنان چنین مناطقی دلالت دارد. فقر هم به حاشیه‌نشینی می‌انجامد و هم اینکه آن را بازتولید می‌کند. خود فقر نیز در حاشیه سوبه‌های مختلفی دارد که بارزترین وجه آن فقر اقتصادی و در سطحی دیگر فقر فرهنگ شهرنشینی است.

۳-۲-۱- فقر اقتصادی

یافته‌های میدانی نشان داد که اکثر ساکنین نایسر را افرادی تشکیل می‌دهند که ناتوانی مالی نخستین و مهمترین عامل سکونتشان در این ناحیه بوده است. بطوریکه بیشتر این ساکنان یا برای تهیه خان‌های مستقل و زمانی که تازه نایسر رو به رشد بوده است روی به نایسر آورده و در آنجا قطعه زمینی خریده و سکونت گزیده‌اند، یا اینکه به دلیل مشکلاتی خاص مثل ور شکستگی، از دست دادن کار، مرگ و یا مریضی سرپرست خانوار از عهده مسائل مالی برنیامده و مجبور شده‌اند به دلیل هزینه‌های کمتر زندگی روی به نایسر بیاورند. در همین زمینه چنور (۲۷ ساله و دیپلم) می‌گوید:

«ما او مدیم نایسر چون مشکل مالی داشتیم. شوهرم بیکار بود. البته هفت هشت سال توی اداره راه کار می‌کرد و چون قراردادی بود وقتیکه مدت قراردادش تموم شد و دیگه بیکار شد او مدیم نایسر چون دیگه تو توانمون نبود که توی شهرک زاگرس بمونیم. چون اونجا ۵۰۰ هزار اجاره می‌دادیم ولی اینجا ۱۰۰ هزار اجاره می‌دیم. قبلا وضعیت مالیمون خوب بود ولی شکست مالی خوردیم. دیگه مجبور شدیم بیایم اینجا».

در همین رابطه سارا (۲۵ ساله و لیسانس) نیز چگونگی مهاجرت خانواده‌اش به نایسر را این‌گونه روایت می‌کند:

«ما توی بهاران زمین داشتیم ولی پدرم مریضی گرفت و ما با مقدار پولی که برامون باقی مونده بود، فقط می‌تونستیم توی نایسر زمین بخریم. اون اوایل هم که اومده بودیم اینجا زمینهای نایسر واقعا رو بورس بودن و هرکسی که از روستا یا حتی از خود شهر می‌اومد نایسر زمین می‌خرید... بعد از اون هم دیگه اونقدر برامون مشکلات و گرفتاری پیش اومد که دیگه نتونستیم بیخیال نایسر بشیم».

دسته دیگر ساکنان نایسر کسانی هستند که بعد از مهاجرت از روستا، به دلیل ناتوانی مالی نتوانسته‌اند در مناطق متوسط و بالای شهر سکونت گزینند و روی به مناطق حاشیه‌نشین و مخصوصا ارزانترین آنها یعنی نایسر آورده‌اند. همه این افراد در واقع جزء اقشار پایین و یا لایه‌های زیرین طبقه متوسط هستند که به راحتی از عهده مسائل مالیشان بر نمی‌آیند.

۳-۲-۲- فقر فرهنگ شهرنشینی

یافته‌های این مطالعه به بهترین شیوه سویه‌های متنوع فقر فرهنگ شهرنشینی را در نایسر نشان می‌دهد. فقر فرهنگی در محیط نایسر به معنای مجهز نبودن ساکنین این محیط به آن دسته از ویژگی‌ها و الزاماتی است که زندگی شهری می‌طلبد. در واقع تجربه اندک زندگی آنها در شهر، تحصیلات پایین و فقدان امکانات فرهنگی موجب شده است سبکی از زندگی را اتخاذ کنند که بیشتر متناسب با محیط روستا است تا اینکه با زندگی شهری و شهرنشینی تناسب داشته باشد. نسرین، (۲۵ ساله و لیسانس) که خانواده وی به دلیل ورشکستگی پدر در نایسر ساکن شده‌اند، در سخنان خود به خوبی به این مسئله اشاره می‌کند:

«کسانی که از روستا میان اینجا واقعا رفتارهای روستا رو با خودشون میان اینجا و اصلا رعایت نمی‌کنن. آشغال پرت می‌کنن، جلوی در فرش می‌شورن، میان توی کوچه و دوست دارن با همسایه‌ها خیلی زود صمیمی بشن».

خانم رضایی، یکی از مسئولین پایگاه خدمات اجتماعی نایسر نیز بر اساس تجربه چندساله فعالیتش در نایسر راجع به وضعیت فرهنگی مردم نایسر می‌گوید:

«به نظر من واقعا فرهنگ این منطقه حاشیه شهر پایینه. هرچیزی که شما فکرش رو بکنین. طرز حرف زدنشون، طرز رانندگیشون و همه چیزشون کلا فرق می‌کنه، تا حدی که ما همیشه سعی می‌کنیم فقط توی محیط پایگاه باشیم و همیشه زحمت کارهای مربوط به بیرون رو می‌دیم به آقای قریشی».

آنچه که از صحبت‌های این مشارکت‌کننده استخراج می‌شود این است که در محیط نایسر بر خلاف حاشیه‌های دیگر مثل تقنقان، فرجه و عباس آباد نحوه برخورد ساکنین با مأمورین زن پایگاه خدمات اجتماعی مناسب نیست و این موجب ناراحتی، ناامنی و حتی تمایل به نقل مکان آنها از آنجا می‌شود.

۳-۳- ناهمگونی فرهنگی

یکی دیگر از بسترهای مهم موجود در مناطق حاشیه‌نشین تنوع و تفاوت‌های فرهنگی است که در این مناطق وجود دارد. در مورد نایسر، مهم‌ترین علت ناهمگونی فرهنگی این است که اغلب ساکنان آن مهاجرانی‌اند که از شهرها و روستاهای اطراف به نایسر مهاجرت کرده‌اند و در نتیجه تلفیقی ناهمگون از فرهنگ را بوجود آورده‌اند. در واقع ساکنان این مناطق همگی پیشینه مشابهی ندارند. بطوریکه می‌توان پنج دسته مختلف را در میان ساکنان نایسر تشخیص داد: ساکنان بومی، مهاجران روستایی، مهاجران حاشیه‌نشین (که از بقیه مناطق حاشیه‌نشین سندانج به نایسر مهاجرت کرده‌اند)، مهاجران شهری (کسانی که از شهرهای اطراف مثل کرمانشاه، دیواندره، بیجار و... به نایسر مهاجرت کرده‌اند) و مهاجران ورشکسته (کسانی که قبلا در مناطق بالاشهر یا متوسط ساکن بوده و به دلیلی ورشکستگی به نایسر روی آورده‌اند).

یکی دیگر از ویژگی‌های تنوع فرهنگی در نایسر حضور همزمان گروه‌های مذهبی در نایسر است. در یک سطح هم معتقدان به مذهب تشیع حضور دارند و هم اهل تسنن. اگرچه اکثریت با ساکنین سنی مذهب است. در سطح دیگر شاهد حضور جریانات مختلف اهل تسنن مثل تصوف، مکتب قرآن و جریانات دینی رادیکال مثل سلفی و تا حدودی داعش هستیم. عارف (۶۵ ساله و بی‌سواد) که از ساکنان قدیمی نایسر است در سخنان خود به خوبی به این مسئله اشاره می‌کند:

«به لحاظ مذهبی ما اینجا سلفی داریم، مکتبی داریم که مشغول امور خودشون هستن و در اویش هم داریم. در واقع هفت تا مسجد اینجا هست که هیچ کدومشون حرف اون یکی رو قبول نداره».

در نهایت اینکه یکی از گروه‌هایی که تنوع فرهنگی موجود در نایسر را تشدید کرده است گروهی هستند موسوم به کولی‌ها یا به زبان محلی قرچی‌ها. این گروه به خاطر سبک زندگی و ویژگی‌های ریختاری خاصی که دارند در نایسر کاملاً مشخص‌اند و در مناطقی مثل خیابان حافظ و نغمه ساکن هستند که خود اهالی نایسر به این مناطق قرچی آباد می‌گویند. از نظر ساکنین نایسر قرچی‌ها، که به باور عده‌ای، بعضی از آنها بعد از تخریب شهرک چمن کرمانشاه به نایسر مهاجرت کرده‌اند عامل اصلی بسیاری از مسائل اجتماعی نایسر مثل فحشا و مواد مخدر هستند. در این باره آقای قریشی، یکی دیگر از مددکاران پایگاه خدمات اجتماعی نایسر می‌گوید:

«من دو سال پیش که توی پایگاهی که بالاتر هست کار می‌کردم متوجه شدم که نزدیک ۶۰ تا ۷۰ خانوار از شهرک چمن کرمانشاه اومده بودن نایسر. ۶۰ تا ۷۰ خانوار که هیچ کدومشون شناسنامه نداشتن و وقتی باهاشون حرف می‌زدیم اصلاً مشخص نبود کی زن کیه، و نسبت هیچ کدومشون مشخص نبود. در واقع با اون فرهنگشون از اون منطقه کرمانشاه اومده بودن نایسر. جالبه که یکیشون با یک پسر مریوانی ازدواج می‌کنه و بعد از مدتی اون پسر متوجه میشه که خانومش با چندین نفر ارتباط داره و وقتی که دلش رو ازش پرسیده بود، اون خانم گفته بود که من خاله‌مم این کار رو می‌کنه. مادرم هم این کار رو می‌کنه... و بعداً مادرش هم گفته بود این جزئی از فرهنگ ماست و اگر نباشه یعنی مشکل داریم و بدرد نمی‌خوریم».

روی هم رفته نایسر بر خلاف سایر حاشیه‌های سندج از تنوع فرهنگی خاصی برخوردار است که خود بستر ساز انواع و اقسام آسیب‌های اجتماعی است. برهان (۴۵) ساله و دارای تحصیلات ابتدایی) در تمثیلی زیبا این ناهمگونی فرهنگی را به شیوه زیر بیان می‌کند:

«از همه فرهنگ‌ها اینجا هستند. و اینطوری نیست که بگیم نایسری‌ها تنها متعلق به فرهنگ خاصی هستند. نایسر شبیه دبه ترشی هفت بیچار می‌مونه که از هر نوع نژاد و فرهنگی که بخوای اینجا هست».

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

ادعای اصلی پژوهش حاضر این بود که بر اساس رویکرد رئالیسم انتقادی، نایستی آسیب‌های اجتماعی را تنها در سطح امر تجربی دید و بررسی کرد. بلکه جرم، کجروی و آسیب‌های اجتماعی سمپتوم‌هایی هستند که خبر از وضعیت‌های می‌دهند که در نگاه اول همواره قابل مشاهده نیستند و از این رو وظیفه پژوهش‌های اجتماعی شناسایی و افشاء آنها است. بر این اساس در مطالعه حاضر ضمن توصیف این نشانه‌ها، به شناسایی مکانیسم‌ها و بسترهایی پرداختیم که زمینه‌ساز و میانجی ظهور آسیب‌های اجتماعی در بستر مورد مطالعه پژوهش حاضر، یعنی منطقه حاشیه‌نشین نایسر سندج است. روی هم رفته نتایج پژوهش حاضر نشان داد که کنش و واکنش مکانیسم‌هایی همچون تبعیض اداری و شهری، انگ بدنامی و بی‌تعلقی مکانی با بستر و شرایط موجود در نایسر که دارای ویژگیهایی همچون محدودیت امکانات (فرهنگی، ورزشی، تفریحی، کالبدی و نهادی)، فقر (اقتصادی و فرهنگی) و ناهمگونی فرهنگی است، زمینه‌ساز و میانجی بروز آسیب‌های اجتماعی در این ناحیه حاشیه‌نشین شهر سندج است.

یافته‌های پژوهش حاضر در سطوح مختلف تأیید‌کننده پژوهش‌های پیشین است. بطوریکه همسو با پژوهش مروتی (۱۳۹۱) به این نتیجه رسیده که میزان تعلق مکانی ساکنین به محل سکونت خود پایین است. در عین حال این یافته‌ها موید یافته عبده زاده (۱۳۹۵) است که در مناطق حاشیه‌نشین ساخت و ساز غیر قانونی وجود دارد. همچنین یافته‌های پژوهش حاضر منطبق با یافته‌های حسینی (۱۳۹۵) مدعی است که همانند سایر مناطق حاشیه‌نشین سندج در منطقه نایسر نیز سطح آرامش، امنیت و رفاه پایین است. در میان پژوهش‌های خارجی نیز پژوهش حاضر همچون پژوهش آریما (۲۰۰۱) به نقش مهم وضعیت اقتصادی در حاشیه‌نشینی رسیده است. همانند پژوهش شاو و مک‌کی (۲۰۱۲) بر وجود بی‌سازمانی اجتماعی، فرصت‌های زیاد کجروی و فرهنگ فقر دلالت دارد و در نهایت اینکه یافته‌های این پژوهش همانند پژوهش ریتو (۲۰۱۴) بر گستردگی آسیب مصرف مواد مخدر در مناطق حاشیه‌نشین دلالت دارد.

دستاورد مهم پژوهش حاضر در حوزه سیاستگذاری می‌تواند این باشد که در تغییر وضعیت مناطق حاشیه‌نشین نباید رویکردی اخلاقی یا امنیتی اتخاذ کرد. از این رو در وهله اول سیاست‌های دولتی باید در جهت تضعیف تمرکزگرایی و منطق مرکز-پیرامون عمل کند. به عبارت دیگر نخستین راهکار برای جلوگیری از حاشیه‌نشینی، ارائه تسهیلات و قدرتمندسازی محل سکونت اولیه مهاجرین حاشیه‌نشین است. در مرحله بعد اولویت باید بر تغییر وضعیت انضمامی و عینی و زیست جهان ساکنان نایسر متمرکز باشد. به عبارت دیگر، حال که در نتیجه عوامل مختلفی مهاجرت صورت گرفته و بسیاری به ناچار از شهرها، روستاها و مناطق حاشیه‌نشین دیگر روانه نایسر شده‌اند و در آنجا با خرید خانه، و سکنی گزیدن به بخشی از شهر تبدیل شده‌اند وظیفه دولت این است که با اختصاص بودجه و تأمین نیازهای اولیه، زمینه را برای ایجاد فضایی شهری و مناسب تأمین کند. به عبارت دقیق‌تر دولت به جای تأکید بر سیاست‌های فردگرایانه که بر مجهز کردن افراد برای شمول اجتماعی (آموزش، کارآموزی و کسب مهارت‌های جدید) تأکید دارد باید بر تغییرات زمینه‌ای و ساختاری منظمی متمرکز شود که نابرابری‌ها را کاهش می‌دهد. واقعیت آن است که در جوامع دیگر به حومه‌ها نه مثابه آسیب بلکه به عنوان فرصتی برای پیشرفت و توسعه امکانات شهری می‌نگرند (تورنر، ۱۳۹۵) و اگر قرار است به دور از هرگونه نگاه اخلاقی و یا امنیتی و بر اساس رئالیسم انتقادی عمل شود می‌بایست ابتدا بسترهای نوعی زندگی مسالمت آمیز شهری فراهم شود و با برنامه‌ریزی‌های درست مکانیسم‌های بازدارنده خشتی گردد و در نهایت به سراغ سطحی‌ترین پدیده، یعنی آسیب‌های اجتماعی رفت.

منابع

- ابراهیم زاده، عیسی؛ بری‌مانی، فرامرز و نصیری، یوسف (۱۳۸۳)، حاشیه‌نشینی؛ ناهنجاری‌های شهری و راهکارهای تعدیل آن (مورد شناسی کریم آباد زاهدان)، مجله جغرافیا و توسعه، دوره ۲، صص ۱۴۳-۱۲۱
- بلومبرگ، پل (۱۳۹۰)، جامعه غارتگر: فریب در بازار آمریکایی، ترجمه موسسه خط ممتد اندیشه، تهران، انتشارات امیرکبیر
- بتون، تد، کرایب، یان (۱۳۸۴) فلسفه علوم اجتماعی، ترجمه شهناز مسمی پرست و محمود متحد، تهران، انتشارات آگه
- بهرامی، رحمت‌الله (۱۳۸۷). عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی (مطالعه موردی: شهر سنندج)، فصلنامه مسکن، محیط و روستا شهرسازی، شماره ۱۲۶.
- تورنر، دیوید. سی (۱۳۹۵)، دگرگونی شهرها: نظریه شهری و حیات شهری، ترجمه فردین علیخواه، تهران، نشر شهر
- تولایی، روح‌الله (۱۳۹۵)، سکونتگاه‌های غیر رسمی دیروز و محلات نابسامان شهری امروز، شهر و شهروند، ویژه سکونتگاه‌های غیر رسمی استان کردستان، وزارت راه و شهرسازی
- حسینی، سید اسرافیل (۱۳۹۵)، بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی ساکنان مناطق حاشیه‌نشین شهر سنندج (مطالعه موردی محلات کانی کوزه له و عباس آباد)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم تحقیقات تهران
- حکمت‌نیا، حسن و افشانی، سید علیرضا (۱۳۸۹)، حاشیه‌نشینی و ارتکاب جرائم اجتماعی (مطالعه موردی شهر یزد)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۲، شماره ۷۲، صص ۱۶۶-۱۵۷
- خبرگزاری مهر (۱۳۹۴/۲/۲۱)، بررسی پدیده حاشیه‌نشینی در استان‌های کشور، سنندج، قابل دسترس در سایت: <https://www.mehrnews.com/news/2563203>
- ربانی، رسول (۱۳۸۵)، بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مسأله حاشیه‌نشینی و پیامدهای اجتماعی آن در شهر اهواز، فصلنامه جغرافیا و توسعه، سال سوم، دوره چهارم، شماره پیاپی ۷، صص ۸۷-۱۱۴
- سایر، اندرو (۱۳۹۳)، روش در علوم اجتماعی (رویکردی رئالیستی)، ترجمه عماد افروغ، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- صابری فر، رستم (۱۳۸۸)، بررسی تحلیلی حاشیه‌نشینی در شهر بیرجند (مطالعه موردی منطقه کارگران)، نشریه تحقیقات جغرافیایی، دوره ۲۴، شماره ۱، صص ۵۲-۲۹ آ
- عبدهزاده، سیروان (۱۳۹۵). تحلیل جامعه‌شناختی اثرات ساخت و سازهای غیرقانونی بر ناامنی اجتماعی در شهرهای استان کردستان (با تأکید بر مناطق حاشیه شهرهای سنندج، سقز و مریوان)، طرح انجام شده در دفتر تحقیقات کاربردی استان کردستان، فرماندهی انتظامی استان کردستان.
- عریضی، فروغ؛ ربانی، رسول و کریمی، فاطمه (۱۳۸۲)، بررسی مسائل حاشیه‌نشینی با تأکید بر جنبه‌های اجتماعی-فرهنگی (مطالعه موردی مناطق ارزنان و دارکت اصفهان)، دوره ۱۰، شماره ۲۴، صص ۱۲۸-۱۰۱
- فتاحی، سجاده؛ رفیعی، نسترن و چغازدری، جلال (۱۳۹۵)، مسأله شناسی راهبردی استان کردستان، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری
- قادرزاده، هیرش (۱۳۹۳)، توسعه شهری پایدار و مسأله حاشیه‌نشینی (مطالعه موردی شهر بانه)، ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه‌های شهر اسلامی، مشهد، شورای اسلامی شهر مشهد
- قرخلو، مهدی؛ عبدی ینگگی کند، ناصح و زنگنه شهرکی، سعید (۱۳۸۸)، تحلیل سطح پایداری شهری در سکونتگاه‌های غیر رسمی (مورد شهر سنندج)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۹، صص ۱-۱۶
- کرسول، جان دبلیو (۱۳۹۱)، طرح پژوهش: رویکردهای کیفی، کمی و شیوه ترکیبی، ترجمه حسن دانایی فرد و علی صالحی، تهران، مهربان نشر
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶)، جامعه شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر نی، چاپ اول
- لويس، اسکار (۱۳۶۹)، فرزندان سانچز، ترجمه حشمت الله کامرانی، تهران، انتشارات جاویدان، چاپ سوم
- محمدی، سعدی؛ منوچهری، سوران و داودی، آزاد (۱۳۹۴)، تبیینی بر تأثیر گسترش روزافزون حاشیه‌نشینی بر امنیت پایدار (شهری)، نشریه علمی-تخصصی پلیس پایتخت، سال هشتم، شماره ۴، صص ۱۲۱-۱۴۳
- مروتی، زهرا (۱۳۹۴). عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی (مطالعه موردی: زنان متأهل ۲۵ تا ۴۹ سال شهر سنندج)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه، پردیس نیمه حضوری، رشته مددکاری اجتماعی.

- معدنی، سعید و امیرحسین محمد پناه (۱۳۸۷). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر تشکیل حاشیه‌نشینی شهر سنندج - سال ۱۳۸۷ (ه.ش) (مطالعه موردی محدوده عباس آباد)، مجله جامعه‌شناسی، دوره ۵، شماره ۱، صص ۱۷۰-۱۵۱.
- مفاخری، عبدالله (۱۳۹۲). مطالعه مقایسه‌ای عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر نگرش ساکنان متن شهر وحاشیه نسبت به همدیگر (مورد مطالعه شهر سنندج)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا.
- مهندسین مشاور تدبیر شهر (۱۳۹۳)، خلاصه طرح توانمندسازی سکونتگاه‌های غیر رسمی ناحیه منفصل نایسر، شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران
- نظریان، اصغر و رحیمی، محمود (۱۳۹۱)، بررسی شاخص‌های مؤثر بر سکونتگاه‌های غیر رسمی سنندج، مجله مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، دوره ۷، شماره ۱۹، صص ۱-۱۱
- نقدی، اسدالله (۱۳۹۲)، حاشیه‌نشینی (تئوری، روش‌ها، مطالعات موردی)، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان
- وایت، راب و هینز، فیونا (۱۳۹۵)، جرم و جرم‌شناسی: متن درسی نظریه‌های جرم و کجروی، ترجمه علی سلیمی، قم، انتشارات حوزه و دانشگاه، چاپ هشتم
- هاروی، دیوید (۱۳۹۶)، از حق شهر تا شهرهای شورشی، ترجمه خسرو کلانتری و پرویز صداقت، تهران، نشر آگاه
- Alholjailan, Mohammed.I. (2012). Thematic Analysis: A critical review of its process and evaluation. West East Journal of Social Sciences, 1(1), 39-47.
- Arimah, Ben. C. (2001), Slums as Expressions of Social Exclusion: Explaining the Prevalence of Slums in African Countries, UN-HABITAT, Nairobi, Kenya
- Blaikie, Norman (2007), Approaches to Social Enquiry, polity press, 2nd edition
- Edwards, Mark Justin (2011), the impact of school sport partnerships on primary schools: An in-depth evaluation, a thesis submitted in fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy, School of Applied Social Science, Durham University
- Flick, Uwe., Kardroff, Ernst, Von & Steinke, Ines (2004), A Companion to Qualitative Research, London, Sage Publication
- Hardcastle, Mary-Ann, Usher, Kim & Holmes, Colin (2006), Carspecken's Five Stage Qualitative Research Method: An Application to Nursing Research, in Qualitative Health Research, Vol.16, No. 1, PP: 151-161
- Lawson, Tony. And Heaton, Tim. (1999) Crime and Deviance. Basingstoke: Macmillan.
- Mack, Natasha; Woodsong, Cynthia., Macqueen, Kathleen. M., Guest, Greg. & Namey, Emily (2005), Qualitative Research Methods: A Data Collector's Field Guide, North Carolina, Family Health Internationa.
- Malone, Jo Rycroft, Fontenla, Marina, Bick, Debra and Seers, Kate (2010), A realistic evaluation: the case of protocol-based care, implementation Science, 5:38, pp:1-14

- Marchal, Bruno (2012), Is realist evaluation keeping its promise? A review of published empirical studies in the field of health systems research, *Evaluation* 18 (2): pp. 192–212
- Ndungu, Ndikaru John (2010). *Crime Differentials in Metropolitan Slum Areas: An Analysis of the City of Nairobi Slums, Kenya*, Thesis submitted to The School Of Humanities And Social Sciences In Fulfilment Of The Requirement For The Award Of Degree Of Doctor of Philosophy
- Pawson, R. & Tilley, N. (1997) *Realistic Evaluation*. London: Sage
- Payne, Geoff & Payne, Judy (2004), *Key Concepts in Social Research*, London, Sage Publication
- Ritu, Bala (2014). Social Deviance among Slum Children. *International Journal of Informative & Futuristic Research*, Volume 2, Issue 3, pp 817 – 824.
- Shaw, Clifford R., McKay, Henry D., (2012), the social disorganization theory. Center for Spatially Integrated Social Science, Retrieved from.
- Thistleton, Lisa (2008), a realistic evaluation of the work of a speech and language therapy service in primary schools (the first schools project) using the perceptions of some of the important stakeholders (teachers, slts and parents), A thesis submitted to for the degree of Ed Psych D, The University of Birmingham
- Wirth, Louis (1928), *The ghetto*, University of Chicago Press.